

حضور فعالانه میراث شیعی در مخاطرات اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر روابط مؤمنانه همسایگان

محمد جواد حسینی^۱

عالمان، محدثان و متخصصان رشته‌های مختلف دینی به عنوان میراث‌داران معارف اسلامی، وظیفه راهبری و یاری جامعه را در چالش‌های پیش رو بر عهده دارند. این مسؤلیت با ارجاع معصومان علیهم‌السلام به ایشان در تعبیری همانند «فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا»^۲ اتقان و مشروعیت یافته است. تشکیل حکومت اسلامی این نیاز و مراجعه را رنگ و بوی جدی‌تری داده و به ضرورتی عیان و نیازمند ساختار و سازمان، بدل ساخته است.

برخی از متولیان فرهنگی، با فراموشی این مسؤلیت بزرگ، کار را در شناسایی مشکلات اجتماعی و فرهنگی متوقف کرده و دائماً از بیداد ضد فرهنگی که جامعه را در خود فرو برده، داد سر می‌دهند! شاید علت این توقف را بتوان در عوامل زیر یافت:

۱. نشناختن مبانی و معارف دین: شناخت ناکافی، جمع‌بندی نشده و جزیره‌ای از معارف دینی و مسلط نبودن بر مبانی، می‌تواند متولیان فرهنگی و دینی را دچار سستی و توقف کند؛ چراکه راهکاری دینی برای حل معضلات نیافته و یا در فرایند آزمون و خطا دچار فرسودگی شده‌اند. آنها تلاش می‌کنند تا با اعتراض و انتقاد نسبت به موضوعات مختلف، ساحت خود و دینشان را از تعرض حفظ کنند! در واقع آنها جایگاه خود را به عنوان مسؤول با جایگاه مردم به عنوان ناظر، اشتباه گرفته‌اند.
۲. اعتقادداشتن به گره‌گشایی معارف: برخی با اینکه دین را برنامه زندگی الهی می‌دانند اما در مواجهه با موضوعات روزآمدی که نمونه تاریخی مجرب ندارد، دچار تردید شده و معارف دینی را ناکارآمد می‌شمردند. برای نمونه، حضور گسترده زنان در جامعه و اختلاط با مردان را ناگزیر دانسته و اگر به دنبال راه حلی برای کاستن از آسیب اختلاط بروند آن را در راهکارهای تجربی جست و جو می‌کنند. آنها در برخی از مشاغل مانند پزشکی، گریزی از این اختلاط نمی‌یابند و بر همین اساس، حضور دین در این مسأله را پایان یافته می‌شمردند!

۱. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۲. العیبة (طوسی)، ص ۲۹۱.

البته گروه دیگری نیز تنها به معرفی اسلام به عنوان کلید حل همه مسائل و منبع همه علوم بسنده کرده و با طرح فرضیات گوناگون، دین را در کانون توجهات و درخواست‌ها قرار می‌دهند. اما زمانی که جامعه دینی و صاحب‌منصبان متدین، مشتاقانه دست نیاز خود را دراز می‌کنند، آورده چندان برای فرو نشانیدن این عطش ارائه نمی‌کنند.

با این حال، معتقدیم که می‌شود با تقویت و هم‌افزایی کارشناسان و استفاده از توانایی‌های مختلفی که در جامعه اسلامی وجود دارد، حضور فعالانه‌تری به معارف دینی داد و برای مشکلات به روز شده، نسخه‌های کاربردی و نافذ بیچید.

از سوی دیگر، گاهی یک مشکل بزرگ که مردم، همه‌روزه با آن دست به گریبان‌اند، به چشم مسؤولان نیامده و به عنوان مشکل، از آن یاد نمی‌شود. شاید عادی‌انگاری یک اشکال، موجب محاسبه‌نکردن آن به عنوان یک مشکل، شده است. برای نمونه یکی از معضلاتی که سال‌هاست از جوامع غربی به برخی جوامع دینی مانند ایران نفوذ کرده، آپارتمان نشینی است. این سبک زندگی پُراشکال که کارشناسان، آن را ریشه بسیاری از مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی می‌دانند، هنوز به چشم مسؤولان فرهنگی نیامده است.

شاید این مسأله به خودی خود، یک موضوع اجتماعی باشد اما وقتی با نگاه دینی و دغدغه‌مند به آن می‌نگریم، با گسست ارتباطات مؤمنانه همسایگان آپارتمانی مواجه می‌شویم. شاید زمینه‌ساز این اشکال، مدیریت نشدن مهاجرت، گرانی مسکن، هجوم ضد فرهنگی غرب، تغییر ذائقه نسل جدید توسط رسانه‌های داخلی و اموری از این دست باشد؛ اما یافتن و ارایه راهکار دینی می‌تواند از حجم آسیب بکاهد. کم‌رنگ شدن یا غیر مؤمنانه شدن روابط همسایگی می‌تواند سویه دینی این چالش باشد؛ چراکه فرهنگ برگرفته از معارف اسلامی نگاه ویژه‌ای به جایگاه همسایگی دارد. این چالش، اختصاصی به محیط‌های آپارتمانی ندارد بلکه فرهنگ آپارتمان‌نشینی در محیط‌های غیر آپارتمانی نیز مشاهده می‌شود. اکنون بسیاری از همسایگان شناخت و ارتباطی با هم ندارند و یا این ارتباط در فضای مؤمنانه نیست.

در ادامه، به جایگاه همسایه و اهمیت روابط همسایگی در روایات، نگاهی گذرا می‌اندازیم:
 امام رضا علیه السلام یکی از ویژگی‌های منظومه رفتاری جامعه شیعه را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بَوَاقِعَهُ^۳.

از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد.

۳. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴.

در روایت دیگری امیر مؤمنان علیه السلام به بیان یکی از ویژگی‌های ارتباطی همسایگان می‌پردازند:

مِنْ حُسْنِ الْجَوَارِ تَقَقُّدُ الْجَارِ.^۴

از نشانه‌های حُسن همسایگی جویا شدن از احوال همسایه است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که محتوای آن نوعی توبیخ را به همراه دارد می‌فرماید:

فَمَا أَقْرَبِي مِنْ بَاتِ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ.^۵

به من ایمان نیاورده است آن که شب با شکم سیر بخوابد و همسایه

مسلمانش گرسنه باشد.

در روایت دیگری امام علی علیه السلام در تعبیری پُر تأکید که مبتنی بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

می‌فرماید:

اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةٌ بَيْنَكُمْ، مَا زَالَ يوصي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا

أَنَّهُ سَيُورِيهِمْ.^۶

خدا را، خدا را درباره همسایگانتان، که آنان سفارش شده پیامبر شماست و

حضرتش صلی الله علیه و آله چندان درباره همسایگان سفارش کرد که گمان بردیم آنها را ارتبَر قرار

خواهد داد.

در بخشی از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام نیز توصیه‌های قابل توجهی نسبت به حقوق همسایه

مطرح می‌شود:

وَأَمَّا حَقُّ الْجَارِ فِحْفِظْهُ غَائِبًا وَ كَرَامَتَهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتَهُ وَ مَعُونَتَهُ فِي

الْحَالِينِ جَمِيعًا لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً وَ لَا تَبْحَثْ لَهُ عَنْ سَوَاءٍ لِيَتَعْرِفَهَا فَإِنَّ

عَرَفْتَهَا مِنْهُ عَنْ غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْكَ وَ لَا تَكْلُفْ كُنْتَ لَهَا عَلِمْتَ حِصْنًا

حَصِينًا وَ سِتْرًا سِتْرًا لَوْ بَحِثْتَ الْأَسِنَّةَ عَنْهُ ضَمِيرًا لَمْ تَنْصِلْ إِلَيْهِ لِأَنْطَوَائِهِ

عَلَيْهِ لَا تَسْتَمِعْ عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَ لَا تُحْسِدُهُ

عِنْدَ نِعْمَةٍ ثَقِيلُ عَثْرَتُهُ وَ تَغْفِرْ زَلَّتَهُ وَ لَا تَدَّخِرْ حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهَلَ عَلَيْكَ

وَ لَا تَخْرُجْ أَنْ تَكُونَ سَلِمًا لَهُ تَرُدُّ عَنْهُ لِسَانَ السَّتِيْمَةِ وَ تُبْطِلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ

النَّصِيحَةِ وَ تُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةً كَرِيمَةً وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^۷

۴. تحف العقول، ص ۸۵.

۵. الامالی (طوسی)، ص ۵۲۰.

۶. نهج البلاغة، نامه ۴۷.

۷. تحف العقول، ص ۲۶۳.

حقّ همسایه این است که در غیاب او حافظ منافع وی باشی و در هنگام حضور، او را گرمی بداری و در هر دو حال، او را یاری و کمک کنی، و هرگز در پی یافتن عیب‌های او نباشی و اگر هم ناخودآگاه و بدون اراده، به عیبی از او پی بردی، آن را نگهداری و بپوشانی به حدّی که اگر نیزه‌ها برای یافتن آن جست و جو کنند، آن را نیابند. در غیاب او، هر آنچه که بر ضرر اوست گوش مده، و در سختی‌ها او را رها مکن، و بر نعمت او حسد مّورز. از لغزش او درگذر، و کار نادرست او را بیخس. اگر با تو جاهلانه رفتار کرد با بردباری از او درگذر و با او با مسالمت رفتار کن. بدزبانی دیگران را از او دور کن و نیرنگ اندرزگوی دروغین را نسبت به وی، بی‌اثر ساز و با بزرگواری با او رفتار کن.

پیشنهاد

اگر قرار باشد که این معارف در جامعه سراریزر شود و بهره آن در حلّ معضلاتی مانند آپارتمان‌نشینی مشاهده گردد باید کار تبلیغی مستمر، سامان‌مند و با استفاده از انواع ابزار و روش‌های سنتی و روز انجام داد. امروزه یکی از ظرفیت‌هایی که می‌تواند موجب ایجاد حرکت در جامعه شود و توجّه مردم را نسبت به موضوعی خاص جلب نماید، «فراخوان‌ها»، «پویش‌ها» و روزهای مناسبی است. «پویش همسایگی مؤمنانه»، می‌تواند با پشتیبانی رسانه‌ها به حرکتی سالانه تبدیل شود؛ به گونه‌ای که سالی یک روز با این پویش، شاهد کنشگری معارف دینی در روابط همسایگی باشیم. روشن است که این رابطه در طول سال، ادامه خواهد یافت و بخشی از مشکلات اجتماعی را حل خواهد کرد.

می‌توان این پویش را در روزی قرار داد که پیامبر ﷺ وارد مدینه شده و در این شهر سکنی گزیدند و همسایه گروهی از مردم مدینه شدند. این روز حدود دوازدهم تا بیست و دوم ربیع الاول است. یک روز از این ایام را می‌توان برای پویش «همسایگی مؤمنانه» در نظر گرفت؛ چراکه پیامبر ﷺ همسایه‌ای الگو بودند. ایام یادشده، روزهای سرور شیعه و سنی است و می‌توان این شادی را تنوعی فزون‌تر بخشید و فرهنگ اکرام همسایه را تبلیغ کرد. پویش همسایگی مؤمنانه با محوریت مساجد و همسایگان آن، رونقی بیشتری خواهد یافت. چنین پویش‌هایی می‌تواند مسیر فرهنگ‌سازی را هموار کرده و از تأثیرات منفی سبک زندگی غربی بکاهد.

این طرح در ابعادی گسترده‌تر می‌تواند نسبت به همسایگان جمهوری اسلامی ایران نیز دنبال شود. دعوت و هم‌اندیشی سفیران کشورهای همسایه ایران و برنامه‌هایی از این قبیل، رفته‌رفته به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شده و زمینه فراگیری در کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان را خواهد داشت.

موضوعات این‌چنینی و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، نیازمند نسخه‌ها و راهکارهای دینی است. شایسته است که متخصصان اسلامی با همفکری کارشناسان رشته‌های دیگر، با نگاهی

کاوشرانه و بهره‌گیری از میراث ماندگار اسلامی، در عرصه حلّ مشکلات روز جامعه، توانمندتر ظاهر شوند.

نشریه دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث از طرح این پیشنهادها استقبال کرده و برای نشر و زمینه‌سازی اجرای آنها تلاش خود را معطوف خواهد داشت.

کتاب‌نامه

۱. الامالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۳۶۳ش.
۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه شیخ صدوق، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۴. الغیبة، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، اول، ۱۴۱۱ق.
۵. نهج البلاغة، سید رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، نشر هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی